

نباید با موضوعات جدید سطحی برخورد کرد/ سرعت تحولات در حوزه هنوز متناسب با جامعه نیست/ برخی به موضوع شناسی مسائل جدید بها نمی‌دهند



تصویر ذهنی فعلی ما در حوزه این است که اگر بخواهیم در یک زمینه‌ای نظر بدهیم، از متخصص آن حوزه پرسش می‌کنیم. این روش به ویژه در مسائل اجتماعی مربوط به اقتصاد و سیاست، در عمل نادرست و جهت دار است. موضوعات به راحتی دریافت نمی‌شود و اینگونه نیست که در مشورت با یک کارشناس بتوان به موضوع شناسی دقیق دست یافت. مثلاً در مورد رمزارزها تحولات بسیار پیچیده و سریع است. ما به سراغ موضوعات جدید می‌رویم و فکر می‌کنیم پاسخ مناسب می‌دهیم اما باید بن‌مایه آن در حوزه تعریف شود.

به گزارش شبکه اجتهاد، حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمدرضا یوسفی، عضو هیئت علمی دانشگاه مفید، معتقد است: ذهنیت حوزویان نسبت به علوم اجتماعی باید اصلاح شود. تا وقتی این ذهنیت ما اصلاح نشود، درس‌های خارج کیفیت لازم را نخواهد داشت. وقتی می‌خواهیم راجع به بانکداری صحبت کنیم، باید با ساختار دنیای مدرن و ساختار بهره و غیره آشنا باشیم. اگر بخواهیم با تعریف‌های حقوقی خود با مسائل روبرو شویم موفق نخواهیم بود.

او که همزمان به تدریس در مدرسه خان قم، برای طلاب فقه مسائل پول مشغول است، به «شفقنا» گفته است: سرعت تحولات در حوزه هنوز متناسب با جامعه نیست. اما نکته مهم‌تر کیفیت ورود به این بحث‌ها است. باید بتوانیم در حوزه بستری را برای اساتید یا طلبه‌هایی که

وارد حوزه‌های تخصصی فقهی مثل فقه معاملات جدید، خانواده، شهرسازی و مانند آن می‌شوند، فراهم کنیم.

دیدگاه شما درباره روزآمدی دروس خارج چیست؟ گروهی از منتقدان مدعی هستند بعضا دروس خارج با نیازهای روز تناسب ندارد. نظر شما چیست؟

یوسفی: برای اینکه بتوانیم به این پرسش پاسخ دهیم باید مطالعه آماری جامعی داشته باشیم و بررسی کنیم که آیا واقعا درصد قابل توجهی از درس‌های حوزه درس‌های قدیمی است یا خیر و اینکه چه درصدی از درس‌ها اگر به موضوعات جدید اختصاص یابد، قابل قبول است. من مطالعه جامعی در این مورد ندارم. می‌دانم که برخی از دروس به سوی بحث‌های جدید رفته اند. از نظر روند تاریخی در حوزه، می‌توانیم بگوییم توجه بیشتری نسبت به گذشته به موضوعات جدید شده است. اما اینکه این تعداد از دروس فقه در موضوعات جدید کفایت می‌کند یا خیر، بحث دیگری است. بحث بعدی، کیفیت درس‌های جدید است. آیا اساتیدی که این درس‌ها را ارائه می‌کنند به صورت عمیق موضوع شناسی کرده‌اند؟

البته همه موضوعات جدید از نظر پیچیدگی به یکسان نیستند. در مواردی بدون حداقلی از مطالعات مستمر و منضبط علمی، امکان موضوع شناسی وجود ندارد. البته اتفاق مثبت این است که برخی از اساتید حوزه، مقاطع تحصیلی دانشگاهی در رشته‌هایی مانند حقوق، اقتصاد، علوم سیاسی و یا جامعه شناسی و مانند آن را گذرانیده و نسبت به موضوعات جدید آشنایی و یا تخصص دارند و این دانش را در خدمت حوزه قرار داده اند. آنها با موضوع شناسی‌هایی که دارند، می‌توانند به غنای فقه بیافزایند.

نهایت اینکه درس‌ها نسبت به گذشته تخصصی تر ارائه می‌شود. اما این حد کافی نیست و باید مسائل جدید را جدی تر دنبال کرد.

آیا این تحول در موضوع شناسی متناسب با تغییر و تحولات جامعه هست؟

یوسفی: خیر؛ سرعت تحولات در حوزه هنوز متناسب با جامعه نیست. اما نکته مهمتر کیفیت ورود به این بحث‌ها است. باید بتوانیم در حوزه بستری را برای اساتید یا طلبه‌هایی که وارد حوزه‌های تخصصی فقهی مثل فقه معاملات جدید، خانواده، شهرسازی و مانند آن می‌شوند، فراهم کنیم. یعنی اساتید و طلبه‌های ما باید حداقل‌هایی از حوزه تخصصی خود بدانند. باید برنامه به گونه‌ای شود که طلبه‌ای که در آینده می‌خواهد به مباحث فقه اقتصادی ورود کند، حداقل به اندازه دوره کارشناسی اقتصاد خوانده باشد تا بتواند با قوت وارد این بحث شود. تصویر ذهنی فعلی ما در حوزه این است که اگر بخواهیم در یک زمینه‌ای نظر بدهیم، از متخصص آن حوزه پرسش می‌کنیم. این روش به ویژه در مسائل اجتماعی مربوط به اقتصاد و سیاست، در عمل نادرست و جهت دار است. موضوعات به راحتی دریافت نمی‌شود و اینگونه نیست که در مشورت با یک کارشناس بتوان به موضوع شناسی دقیق دست یافت. مثلاً در مورد رمزارزها تحولات بسیار پیچیده و سریع است. ما به سراغ موضوعات جدید می‌رویم و فکر می‌کنیم پاسخ مناسب می‌دهیم اما باید بن مایه آن در حوزه تعریف شود. باید در حوزه‌های تخصصی دوره‌های آموزشی تعریف شده برای طلاب برگزار شود.

از سوی دیگر لازم است طلاب برای تقویت قدرت فقهی خود، در درس خارج کتاب‌هایی که علمای سلف روی آنها بسیار کار کرده‌اند را شرکت کنند. حداقل یک دوره بیع و یا اجاره را خوب ببینند اگر بیشتر باشد چه بهتر.

به نظرم من بحث کیفیت، بحث مهمی است. برخی از مطالبی که امروز در حوزه مطرح می‌شود حتی طلاب را اقناع نمی‌کند. استادی مطلبی را مطرح می‌کند اما چون موضوع را به درستی نشناخته، به سادگی از کنار آن می‌گذرد. این مساله جدی تر از سرعت افزایش موضوعات متنوع است. محتوا باید قوی باشد. گاه مطالبی که تحت عنوان فقه مستحدث منتشر می‌شود، چندان زیبنده نیست و مخاطب را پس می‌زند. کسی که می‌خواهد وارد فقه موضوعات شهری شود باید اصول شهرسازی را خوب بفهمد. اقتصاد شهری را تا حدی بداند. مسائل آپارتمان را اطلاع یافته باشد زیرا با زندگی آپارتمانی برخی مفاهیم قدیمی جابجا شده است. برخی به موضوع شناسی مسائل جدید بهای لازم را نمی‌دهند. در برخی موارد، از موضوع شناسی دقیق به آسانی حکم

فهمیده می‌شود. لذا نباید موضوع شناسی را کم اهمیت دید. مثال‌های متعددی در ذهن دارم که از باب احترام از آنها می‌گذرم.

دانشی که افراد به واسطه آموزش دروس دوره کارشناسی یکی از رشته‌های مرتبط به دست می‌آورند فقط در موضوع شناسی کاربرد ندارد بلکه در فهم روایات نیز به آنان کمک می‌کند و برداشت‌های متفاوت و گاه دقیق تری به دست می‌آید.

نکته دیگر ورود تخصصی به مباحث جدید است. اگر به مسائل پزشکی ورود می‌کنیم سعی کنیم در همانجا تخصص لازم را پیدا کنیم. اگر در مباحث خانواده وجود می‌کنیم سعی کنیم مطالعات خود را در آن حوزه عمیق تر کنیم. همینطور فقه سیاسی، فقه معاملات و مانند آن.

با توجه به دروسی که عموماً طلاب می‌خوانند تا چه اندازه حوزه می‌تواند به این مسیر برود؟

یوسفی: لازم نیست که خود حوزه به این مسیر برود. امروزه مراکزی مانند دانشگاه مفید و موسسه امام خمینی در قم یا دانشگاه علوم اسلامی رضوی در مشهد وجود دارند که می‌توانند این مسئولیت را برعهده بگیرند. می‌توان برای طلاب راه را کوتاه کرد و به جای یک دوره کامل مقطع کارشناسی دروس، اختصاصی و اختیاری مرتبط را گذراند که زمان کمتری می‌برد و به مطالعات طلاب نیز جهت می‌دهد.

الان یکی از مسائل بسیار پیچیده در دنیای جدید، بحث بهره و ربا است. اینگونه نیست که حتی هر فردی که مقداری اقتصاد خوانده باشد بتواند به آسانی به این موضوعات بپردازد. یک اقتصاددان نیز در این موضوعات باید تامل داشته باشد. کسی که بخواهد روی بهره کار کند باید زندگی اش را بگذارد. با این وجود می‌شود برای طلاب دوره‌هایی را در نظر گرفت و این کار را می‌توان با ظرفیتهای حوزه انجام داد. و الا موضوع شناسی کارهایی که امروزه انجام می‌شود نوعاً قوی نیست. چند کتاب در حوزه اقتصاد دوستان ما منتشر کرده اند که کتابهایی قوی نیست. یکی از طلبه‌های دانشجو، کتاب یکی از کتب منتشر شده فقه مسائل جدید را آورد و گفت این

کتاب ضعیف است. نظر من هم همین بود. ضعف مهم کتاب، فقدان موضوع شناسی دقیق و عمیق نشدن در این امر بود. نباید با موضوعات جدید سطحی برخورد کرد.

البته روند خوبی شروع شده و طلاب خودشان به مرور دارند به این نتیجه می‌رسند که باید در یک حوزه به صورت تخصصی ورود کنند. سابق در میان بسیاری از بزرگان این تصور بود که می‌توان در تعطیلات حوزوی از دانش‌های روز اطلاع کامل یافته، بر آن علم مسلط شد و حتی بهتر متخصصان آن رشته درک کرد. اگر از استثنائات بگذریم، قطعاً این دیدگاه ساده اندیشی است. خوشبختانه این نگاه کمتر شده است. این نگاه محصول عدم درک درست این علوم است.

اکثر دروس خارج کتبی را مبنای تدریس خود قرار می‌دهند که این کتابها، عموماً کتب بزرگان از قدما است. برخی منتقدان می‌گویند این سبک، آسیب‌هایی را به دنبال دارد. نظر شما چیست؟

یوسفی: اگر برگردیم و مسائلی را که قبلاً بیان شده تکرار کنیم منطقی نیست. در کتابهایی مانند شرایع و عروه، مسائل دو دسته شده اند. برخی از مسائل، امهات مسائل هستند و دسته دیگر فروعات می‌باشند. اشکالی ندارد که علماء از متن کتابهایی مانند شرایع و وسائل و عروه امهات را استفاده کنند. اما فروعات باید غربال شود. برخی از فروعات یا تحقق خارجی ندارد و یا مصادیق اندکی دارند. برخی از مسائل باید اضافه شود. اگر صرف تکرار مسائل قدیم باشد مشکلی را حل نخواهد کرد.

بحث فقه فردی و اجتماعی بحث مهم و دیگری است. نگاه باید تغییر یابد و به عبارت بهتر، تکامل یابد. یک راه آشنایی با علوم اجتماعی مانند اقتصاد، جامعه شناسی، علوم سیاسی و مانند آن است. درک این علوم می‌تواند به تقویت نگاه اجتماعی، تحلیل اجتماعی روایات در حوزه‌های مختلف کمک کند. اگر دیدگاه‌ها اجتماعی شوند، حتی اگر همان کتاب‌های سنتی مانند بیع و

اجاره و مانند آن تدریس شوند، استاد موضوعات را با نگاه اجتماعی تحلیل خواهد کرد. لذا در اینجا چگونه گفتن درس اهمیت می‌یابد. اینجا بیشتر از کتاب، استاد اهمیت پیدا می‌کند.

به نظر شما مهمترین خلاء درس‌های خارج حوزه علمیه از نظر کیفی و کمی چیست؟

یوسفی: فقه ما ظرفیت مناسبی دارد. میراث گذشتگان هم مناسب است، اما کافی نیست. یکی از مسائل مهم در دنیای امروز، علم به چگونگی است. در دنیای جدید چگونگی مورد اهمیت است. به عنوان مثال، یکی از عوامل مشکلات بانکداری، بیان صرف حلال و حرام و فقدان دانش چگونگی است. ما فکر می‌کنیم که با بیان حلال و حرام، رسالت خود را انجام داده ایم. در حالی که نظام بانکداری پیچیدگی‌های زیادی دارد و بدون توجه به آنها و چگونگی اجرایی کردن آن، آنچه رخ می‌دهد متفاوت از آنچه که بیان می‌شود، خواهد بود. از این رو تاکید می‌کنم که اساتید باید تخصصی وارد مسائل شوند.

مساله دیگر این است که ذهنیت ما نسبت به علوم اجتماعی باید اصلاح شود. تا وقتی این ذهنیت ما اصلاح نشود، درس‌های خارج کیفیت لازم را نخواهد داشت. وقتی می‌خواهیم راجع به بانکداری صحبت کنیم، باید با ساختار دنیای مدرن و ساختار بهره و غیره آشنا باشیم. اگر بخواهیم با تعریفهای حقوقی خود با مسائل روبرو شویم موفق نخواهیم بود.

نکته دیگر، اجتهاد تخصصی است. فقیه باید متمرکز در حیطه خاص شود. اگر این اتفاق رخ دهد، بستر شورای افتاء نیز فراهم خواهد شد.

یکی دیگر از مسائل، نگاه به تحولات جریان‌ات بیرون حوزه است. از آنجا که در خارج از حوزه انواع دینداری ترویج می‌شود و گاه این عمل با زیر سوال بردن برخی مباحثی است که بنیان اجتهاد و استنباط محسوب می‌شوند، باید آنها را در دروس حوزوی طرح و به اشکالات مطروحه پاسخ داد. امروزه برخی بر قرآن محوری تاکید داشته و حدیث را زیر سوال می‌برند. حوزه در برابر این جریان چه واکنش متقنی انجام داده است. در مباحث اصول به هنگام بحث حجیت خبر واحد، آیا به طرح این ایرادات پرداخته می‌شود؟

یکی دیگر از مسائل، بررسی ناکارآمدی‌های حاکمیت است زیرا امروز در ایران هر اتفاقی رخ دهد به اسم اسلام و عالمان دینی نوشته خواهد شد. چقدر در فقه به آسیب شناسی حکومت پرداخته می‌شود؟

یکی از مشکلات جدی، معیشت طلاب است. تا وقتی طلبه حداقل‌های معیشت را نداشته باشد، ممکن است به درس بیاید اما مجبور است برای اجاره خانه کار بکند. نمی‌تواند تمام وقت درس بخواند تا در حوزه تبدیل به استاد خوبی شود.

نکته دیگر نظام استاد و شاگردی در حوزه‌ها است. رابطه استاد و شاگرد در گذشته عمیق تر بود. اما الان این روابط کم شده است.

چیزی که گاه مشاهده می‌شود حس بدبینی در برخی طلاب جوان است که از مشکلات معیشتی رنج می‌برند نسبت به اساتید است که وضعیت معیشتی بهتری دارند و یا نسبت به نهادهای حوزوی است.

نکته مهم دیگر این است که در مقطع دکتری در دانشگاه، چند جلسه استاد تدریس می کند و سپس متنهایی را به دانشجو می دهد تا مطالعه و ارائه کند و از این طریق توانایی دانشجو محک خورده و پرورش استعداد وی بهتر صورت می گیرد. این روش می تواند در حوزه در برخی دروس خارج دنبال شود. به ویژه دروسی که بر اساس کتابهای معینی ارائه می شود مثلاً ممکن است استادی کتاب طهاره یا صلاه را ناظر بر مباحث کتاب التنقیح مرحوم آیه الله خویی ارائه کند. در این صورت می توان از طلاب خواست تا او درس را ارائه دهد و سپس استاد مداخله کند. این امر در پرورش طلبه موثر است.